

## بازگونی مفهوم یک نماد

### (بررسی کهن‌الگوی مار در ایران و سرزمین‌های همجوار)

صدرالدین طاهری\*

استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۱۰/۲۳، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۴/۳/۳۱)

#### چکیده

این نوشتار تلاش دارد با نگاهی بر اساطیر و باورها و نیز نقشماهیه‌های بهجای مانده بر روی آثار هنری، بازنمایی کهن‌الگوی مار را در هنر ایران و سرزمین‌های همجوارش (میان‌رودان، مصر، هند و یونان باستان) از آغاز تا هزاره نخست پ.م پیگیری کند و در این راه با پژوهشی تطبیقی و تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و موزه‌ای، به پی‌جوابی ارتباط میان این فرهنگ‌ها بپردازد. به نظر می‌رسد مفهوم بن‌مایه مار در این سرزمین‌ها طی چند هزار سال دگرگون و حتی بازگونه شده است. از این رو بررسی این انگاره، برای آگاهی از چگونگی تغییر رویکرد انسان به نمادهایش در گذر زمان ضروری به نظر می‌رسد. مار که در هنر پیشاً تاریخی این سرزمین‌ها نقشی ایزدی، بارور‌کننده، شگون‌مند و حفاظت‌گر دارد و نگاهبان آبه‌ها و دارایی‌ها است، در اندیشه مردمان هزاره نخست پ.م و پس از رواج ادیان تاریخی سامی و آریایی به تدریج به نیروی اهریمنی تباہ‌کننده می‌پیوندد. نگارنده با کاوش در اسناد تاریخی، این جایگزینی را به سبب تبدیل ساختار مادرمرکز به پدرمرکز در جامعه ساکن در این سامان می‌داند. برای یافتن مفاهیم پنهان در پس کهن‌الگوی مار به نقش این جانور بر روی آثار بازمانده از خاور کهن پرداخته و سپس به پاری نوشتارها و اساطیر، معنای این بن‌مایه بازخوانی می‌شود.

#### واژه‌های کلیدی

مار، ناگا، اژدی، واجت، مدوسا.

## مقدمه

گاهی نیز مار به سان نگهبان به دور درخت مقدس یا گرد عصای خدایان پیچیده است. بررسی تطبیقی نقش مار و نزدیکی آن با خدای بانوان باروری می‌تواند راهکاری برای یافتن ارتباطات کهن میان این تمدن‌های باستانی باشد و تاثیراتی که بر مذهب و باورهای یکدیگر نهاده‌اند. پی‌جویی تغییرات بنیادینی که طی هزاره‌ها در فهم این کهن‌الگو خ داده نشانی است بر پایدار نبودن نمادها و امکان دگرگونه شدن معانی آنها.

مار در تمدن‌های پیش از تاریخ با باروری هم‌بسته بوده است. پیکره بسیاری از ایزدانوان برکت‌خیزی، با ماری پیچیده به دور بدن یا در دستان آنها ساخته شده و تصویر این نماد بر صخره‌ها، دروازه‌ها و ظرف‌ها، نشان از جایگاه و وزیر مار در اندیشه مردمان خاور باستان دارد. پوست‌اندازی سالانه مار برای مردمان جهان باستان، نشان بی‌مرگی این موجود بوده و در بسیاری از فرهنگ‌ها، مار را هم‌بسته با داروها و درمان می‌دانسته‌اند.

## ۱. مار در اندیشه و هنر میان‌رودانی

پیموده به خواب می‌رود، مار از راه می‌رسد و گیاه را می‌بلعد. بنابراین زندگی جاوید نصیب مار و مرگ سهم انسان می‌گردد. بر ظرفی از سنگ صابون بازمانده از ۲۵۰۰ تا ۲۷۰۰ پ.م که در خفاجه یافت شده، شخصی در میان دو شیر ماده ایستاده است و در هر دست خود ماری را نگه داشته است (تصویر<sup>۳</sup>). در سوی دیگر، انسانی بر روی دو گاو نشسته و خطهای مواج نشانگ آب جاری را در دست گرفته است. به سبب ایستادن انسان مار به دست بر پشت شیر می‌توان او را خدای بانوی باروری و آب‌ها دانست، زیرا نمونه‌های بسیاری از ایستادن یا نشستن ایزدانوان بر پشت شیر در هنر خاورمیانه باستان دیده می‌شود (طاهری، ۱۳۹۱، ۸۳). بودن گاوها و جریان آب این فرض را نیرو می‌بخشد. به دلیل همسانی‌های بسیار فنی و هنری، این ظرف را می‌توان از آثار جیرفت دانست که به دربار سومر فرستاده شده است. بر روی بسیاری از مهرهای میان‌رودانی با نقش خدای بانوان و مار روبرو می‌شویم. نقش این مهرها را در چهار بخش می‌توان دسته‌بندی کرد: ۱. انسان مارت، ۲. انسان مار به دست، ۳. انسان نشسته یا ایستاده بر مار (تصویر<sup>۴</sup>). بر روی مهری از تل اسمر بازمانده از ۲۳۰۰ پ.م، برخی از

از کهن‌ترین نمونه‌های ایزدانوان با سر مار، پیکرک‌های دوره عبید (تصویر<sup>۱</sup>) از هزاره پنجم و چهارم پ.م است. در اسطوره‌های آفرینش میان‌رودانی، خدایان آغازین با اندامی مارگون پدیدار می‌شوند. تیامت، اقیانوس آغازین آب‌های سور و نخستین مادر خدای آفریننده در اساطیر سومری، بهسان ماری بزرگ جلوه‌گر می‌شود. اسطوره آفرینش بابلی «آنومه الیش» اشاره دارد که فرزندانی به شکل مار نیز از تیامت زاده می‌شوند (Thorkild, 1968, 104).

لخمو و لخامو، نخستین فرزندان تیامت بودند که از آن دو خدایان بعدی زاده شدند. آنان نیز ایزدانی هستند که گاه چون زوجی مارگون وصف می‌شوند (Jordan, 2002, 180). دیگر خدای مارگون میان‌رودانی، نین‌گیش‌زیدا، فرمانروای دنیای زیرزمین در اساطیر سومری است. تصویر او بر گلدان لگاش از ۲۱۰۰ پ.م (تصویر<sup>۲</sup>، کهن‌ترین نمونه دو مار پیچیده دور یک محور به شمار می‌آید (Price, 1900, 47)).

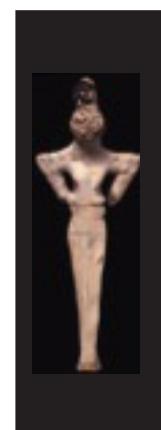
نقشی که مار در داستان گیلگمش بازی می‌کند، نشان از باور مردمان میان‌رودان به نیروهای افسانه‌ای این موجود دارد. هنگامی که گیلگمش خسته از راه دشواری که برای یافتن گیاه زندگی



تصویر<sup>۳</sup>- خفاجه.  
ماخذ: (Collon, 1995, 69)



تصویر<sup>۱</sup>- عبید.  
ماخذ: (موزه لوور)



تصویر<sup>۲</sup>- لگاش.  
ماخذ: (موزه بریتانیا)

سبب یورش بیابان‌گردانی بوده که پس از پیروزی بر یک جانشینان و دست یافتن به سرزمین و پیشرفتهای آنان، باورها و کیش‌ها و خدایان خود را رایج کرده‌اند؛ این دوران گذار را می‌توان با نشستن یک خدای نزینه به جای یک مادرخدای آغازین در جایگاه ریاست خاندان‌های ایزدی هم‌زمان دانست، برای نمونه جایگزینی مردوك با تیامت در میان رودان، هومیان با پی‌نی گیر در عیلام، سه مهادو (برهم، ویشنو، شیوا) با پریتیوی ماتار در هند، اورانوس با گایا در یونان و... (طاهری، ۱۳۹۳، ۱۵).

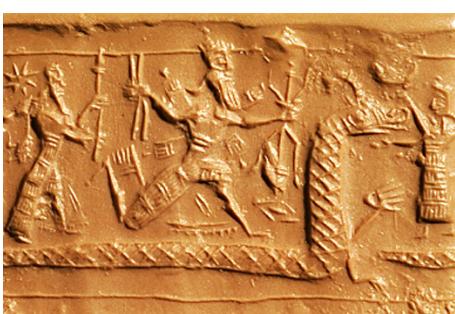
از این رو شاید بتوان پیروزی نهایی مردوك بر تیامت مارگون را با کنار نهادن مادرخدايان و بخشیدن چهره‌ای اهریمنی به مار هم‌بسته دانست. مهری نواشوری از سده نهم پ.م این رخداد اساطیری را به تصویر کشیده (تصویر ۷).



تصویر ۵—اوروك.  
ماخذ: (موزه برلین)



تصویر ۶—بابل.  
ماخذ: (موزه لوور)



تصویر ۷—آشور نو.  
ماخذ: (موزه بریتانیا)

خدایان سومری بر روی زورقی بهسان مار ایستاده‌اند. این مهر شاید نشانگر داستان سیل بزرگ در اساطیر سومری باشد.

مهر دیگری از همین دوران، ایزدبانوی را نشان می‌دهد که دو مار را با دستان خود نگاه داشته است. بر یک مهر اکدی دیگر، ایزدبانوی که بر شیر ایستاده، با هر دست خود سه مار اگرفته است. یک مهر اکدی نیز انسان-ماری را در برابر سه خدای دیگر تصویر می‌کند که یکی از آنها بر پشت دو مار ایستاده است. مهر دیگری، دو ایزدبانوی نشسته در کنار درخت مقدس را همراه با مار نشان می‌دهد.

بر روی یک مهر اکدی، با خدای مارتی روپرتو می‌شویم که کلاه شاخدار بر سر دارد، در برآریش آتشدانی نهاده‌اند، شاخه گیاهی به دست گرفته و پرستنده‌گانش روبروی او به نیایش ایستاده‌اند.

ستاره هشت‌پر بالای آتشدان، گیاهی که در دست دارد و درختی که پشت سرش روییده ایزدبانو بودنش را نیرو می‌بخشد. نمونه‌های بسیاری از این گونه مهرها از دوره اکدی در دست است. شاید دارنده مهر بر این باور بوده که در پناه چنین نقشی، می‌تواند خود را از خشکسالی دور بدارد (بیانی، ۱۳۷۵، ۷۷).

مامی، ایزدبانوی بابلیان نیز با مارهایی در دست یا تنیده به دور انداش پدیدار می‌شده است. بر دیوارهای نیایشگاه ایزدبانو اینانها در اوروک از ۱۴۰۰ پ.م، مارهایی در میان خدایان تصویر شده‌اند (تصویر ۵).

بر روی دو کودورو که از سده ۱۲ پ.م و دوره پادشاهی کاسیان در بابل باقی مانده نیز، نقش مار دیده می‌شود (تصویر ۶). بر روی یک لوح اوگاریتی از سده ۱۲ پ.م، استارته ایزدبانوی باروری بر روی شیری ایستاده و دو مار را در دستان خود نگه داشته است. تغییر ساختار مادرمرکز به پدرمرکز در پیش از تاریخ، گاه به



تصویر ۴—مهرهای اکدی.  
ماخذ: (Frankfort, 1955, 478)

پایین قرار داشت (Erman, 1963, 268). او به عنوان پشتیبان دلتای نیل و سرزمین مصر پایین و نگهبان فرعون، برای دورانی دراز در مصر پرستیده شده است. آنها راه شیری را در آسمان نشانی از واجت می‌دانستند. او در کنار بسیاری از دیگر خدایان مصری چون هوروس و نخته، تصویر شده است. نقش او در کنار نخته، یکی از نامدارترین نمادهای مصری به نام چشم رع یا چشم هوروس را شکل می‌دهد.

یکی از نمادهای واجت ارواوس بود که به عنوان نشانی شاهانه بر تاج یا سیمی‌چه فرعون قرار می‌گرفت (تصویر ۱۰). همنشینی این نماد با کرکس نخته (نماد مصر بالا) نشانه پیوستگی دو بخش مصر است. نهبه کا در دین مصریان باستان، مار دو سری بود که پس از مرگ از «کا» و «با» (روان مردگان) پاسداری می‌کرد. او گاهی چون ماری دوسر و گاه با بال تصویر می‌شد (تصویر ۱۱).

مرت سه گر (به معنای کسی که سکوت را دوست دارد)، دیگر ایزدبانوی مارگون مصری بود (تصویر ۱۲) که از کارگران سازنده مقبره‌ها پشتیبانی می‌کرد (Hart, 2005, 91). دیگر ایزدبانوان مصری چون ایزیس و نفتیس نیز گاهی بهسان مار تصویر می‌شدند. در دوران پادشاهی نو، داستانی ساخته شد درباره ماری ستრگ به نام آپ که در جهان زیرزمین جای دارد. شب‌ها وقتی رع با زور قش خوشید را از افق پایین می‌برد، آپ به جدال با او بر می‌خاست



تصویر ۱۱- نهبه کا.  
ماخذ: (مصر، معبد کوم اومبو)

## ۲. مار در اندیشه و هنر مصری

از دوران پیش از سلسله‌ها در مصر، تندیس‌های زنانه‌ای با سر مارگون به دست آمده که شاید نشانگر ایزدبانوی مورد پرستش در آن دوران باشند، از جمله نمونه‌ای از نیمه دوم هزاره چهارم پ.م. در تپه معماریه (تصویر ۸).

براساس اسطوره‌های کیهان آفرینی مصری ابتدادر تاریکی اقیانوس بی کرانه‌ای از آب ساکن به نام نون وجود داشت. مصریان باستان همیشه از این بابت در هر اس بودند که مبادا نون از آسمان به زمین سقوط کند. هنگامی که این زوال خدایان رخ دهد، تنها بازماندگان آن، آتم و اوزیریس به شکل مار خواهند بود (ویو، ۱۳۸۱، ۸). مصریان در دوره پادشاهی میانه، کاوش ایزدبانوی کنعانی را در دین خود پذیرفتند. او همواره ایستاده بر پشت شیر و با مارهایی در دست تصویر می‌شود (تصویر ۹).

در مصر، ایزدبانو رنه نوت به صورت نیمه مار نیمه انسان ظاهر می‌شد (هال، ۹۸، ۱۳۸۰). او ایزدبانوی خوارک و خرمون بود که مصریان Pinch بربر کشیدن محصول کشاورزی نیایشش می‌کردند (۲۰۰۳، 103). رنه نوت را بهسان زنی با سر مار تصویر می‌کردند. واجت (به معنای سیزفام یا بهرنگ پاپرس) دیگر خدای بانوی مصر باستان بود که بهسان ماری چنبره‌زده بر روی تاج سرخ مصر



تصویر ۹- کادشن.  
ماخذ: (موزه لوور)



تصویر ۸- معماریه.  
ماخذ: (موزه بروکلین)



تصویر ۱۲- مرت سه گر.  
ماخذ: (موزه بروکلین)



تصویر ۱۰- واجت.  
ماخذ: (متروپولیتن)

این پیوند ایزدبانوی زمین زاده می‌شود (کوبیر، ۱۳۷۹، ۳۳۵). ایزدبانوی مار هندی، مانسا که او را نیز پیش‌آریایی می‌دانند، همانند بسیاری از دیگر خدایان باستانی، اهداکننده باروری Dow- و حاصلخیزی است و با مارهایی در دست نمایان می‌شود (son, 2003, 196). برادر او واسوکی پادشاه ناگاها و مار نابودگر شیوا است (Jones, 2007, 300).

سشا از دیگر ناگاهای نامدار است که تمام کیهان را با سرهای فراوانش به هم پیوسته نگاه داشته و با همه دهان‌هایش ویشنو را نیاش می‌کند (Jones, 2007, 300). او را بهسان سربری تصویر می‌کنند که ویشنو بر آن در کنار لاکشمی آرمیده است. تبدیل مار به نیروی اهریمنی، سرانجام در هند نیز رخ می‌دهد. در بهاگواراپورانا آمده ماری سترگ به نام کالیا در رود یمنا زندگی می‌کند که از زهرش هیچ جانور یا گیاهی در امان نیست. کریشنا (ویشنو) با این مار در می‌آویزد (تصویر ۱۶) و او را شکست می‌دهد (Coomaraswamy, 2001, 168).

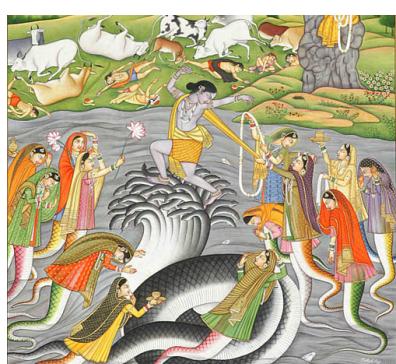
با این وجود هندوان هنوز هم مار را در قالب نگهبان ارزش می‌نهند. تندیسی از سده ۱۲ م. بودا را در سایه ماری که بالای سر او چنبه زده در حال مراقبه نشان می‌دهد.

#### ۴. مار در اندیشه و هنر ازهای و یونانی

مرکز زندگی دینی مینوسی در مکان‌های مقدسی چون غارها و بیشه‌ها قرار داشت و خدایان بزرگشان زنانه بودند (جنسن، ۱۳۶۸، ۷۰). در کرت، مار نمادی بسیار شاخص بود و شواهدی از پرستش مار توسط مردمان کرت در دست است. ایزدبانوی بزرگ پشتیبان خانواده



تصویر ۱۴- دره سند.  
ماخذ: (موزه ملی دهلی)



تصویر ۱۶- جنگ کریشنا و کالیا.  
ماخذ: (Coomaraswamy, 2001, 168)



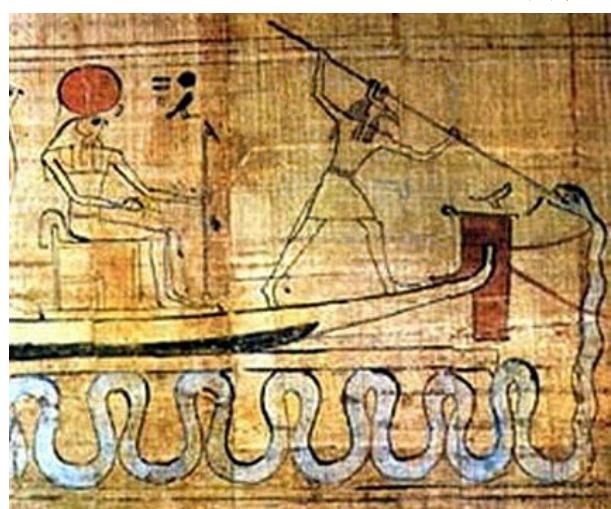
تصویر ۱۵- دو ناگا.

(تصویر ۱۳). این نبرد تا صبح گاه و برآمدن دوباره خورشید ادامه داشت. مصریان در آن زمان، سبب خورشیدگرفتگی را هجوم آپپ در روز به قایق رع می‌دانستند (Assmann, 1995, 49). از آنجایی که مار پیش از آن همواره در اندیشه مصری جایگاهی مقدس و برکت‌بخش داشته، بر ساختن این داستان را می‌توان حاصل ارتباط مصریان با اقوام سامی یا آریایی دانست که مار را موجودی اهریمنی می‌پنداشتند.

#### ۳. مار در اندیشه و هنر هندی

ساکنان دراویدی دره سند در هزاره سوم پ.م.، کشاورز بودند و ایزدانی را نیاش می‌کردند که به گونه‌ای با باروری و حاصلخیزی پیوند داشتند. آثار یافتشده از هاراپا و موهنجودارو نشان می‌دهد که آنان ایزدبانوی مادر را می‌پرستیده‌اند. از این شمار، مهرهایی است نشان‌دهنده رویش گیاه از رحم خدای دهانی یا ایزدبانوی عربیان که در برابر او انسان قربانی می‌کنند (ایونس، ۱۳۷۳، ۱۴). در برخی از پیکرک‌های یافتشده از دره ایندوس، با خدای بانوی رو به رو می‌شویم که مارهایی پیچیده به دور بدن یا در دست‌انشان دارند. بر مهری که از هزاره دوم و سوم پ.م. در دره ایندوس به دست آمده، خدا یا پهلوانی دیده می‌شود که دو مار بزرگ را در دستان خود نگه داشته است (تصویر ۱۴).

در میان بقایای سند، مهر خاصی وجود دارد که از سر دو مار ساخته شده و این رمز ویژه کهن‌ترین مردم تاریخی هند، یعنی ناگههای مارپرستی است که چون آریایی‌های مهاجم به هند رسیدند، استان‌های شمالی را در تملک آنها یافتند (دورانت، ۱۳۶۵، ۴۵۹). آنها خدای ماری را که به صورت نیمه مار نیمه- انسان ظاهر می‌شود، پرستش می‌نمودند (دورانت، ۱۳۶۵، ۴۵۶). ناگا (زنانه: ناگای یا ناگینی)، در سانسکریت برای اشاره به مار و گاه مار کبرا به کار می‌رود (Elgood, 2000, 234). این نام در سراسر تاریخ اساطیری هندوان به چشم می‌خورد. دو ناگای بهم پیچیده (تصویر ۱۵)، مظہر آبهای بارور شده هستند و از



تصویر ۱۳- آپ.  
ماخذ: (Assmann, 1995, 49)

برخی از مردگان را زنده کرده است و زئوس از این بابت نگران است. مار با دختر او هوگیایا ایزدبانوی داروها نیز همراه است (تصویر ۱۸). دیگر خدای یونانی هرمس نیز چوب‌دستی دارد به نام کادوسیوس که دو مار گرد آن پیچیده‌اند.

در افسانه یونانی کادموس، آرس خدای جنگ، مار مقدسی را به نگهبانی از چشمۀ آب گمارده است. کادموس با او می‌جنگد و به پادفره این گناه، هشت سال با خدمتکاری برای آرس مجازات می‌شود (Wilkes, 1992, 90).

در اسطوره‌های هراکلیس و چیسون به ماری به نام لادون بر می‌خوریم که در باغ هسپریدس نگهبان درخت سیب طلایی است (Kerenyi, 1959, 172). نگهبانی، از ویژگی‌های کهن ماران است که در این اسطوره‌ها نیز بدان مشغولند. اما اجراء قهرمان به جدال با مار از کمرنگ شدن جایگاه قدسی ماران خبر می‌دهد.

در این میان، مدوسا (که نام او نیز معنای نگهبان و محافظ دارد و به باور برخی پژوهشگران از ایزدبانوان کهن یونانی در هزاره دوم پ.م. بوده)، شخصیتی کامل‌اهریمنی می‌یابد. بر سر این زن مارها چون گیسوانی رسته‌اند و با نگاهش هر جنبدهای را به سنگ بدل می‌کند (تصویر ۱۹).

پایان داستان این شخصیت اسطوره‌ای زنانه، بریده شدن سرش به دست پهلوان مردی به نام پرسیوس است. پروفسور گریوز، ریشه این داستان را یورش گروهی از هلنی‌های پدر مرکز به نیاشگاه ایزدبانوی مار می‌داند (Graves, 1955, 17).

## ۵. مار در اندیشه و هنر ایرانی

در ایران، چنین به نظر می‌رسد که همراه باور کهن به خدای بانوان باروری و فراوانی، پرستش خدای مار هم از هزاره چهارم تا هزاره اول پ.م. رایج بوده است (گدار، ۱۳۷۷، ۱۵).

**۱.۵. باکون:** بر بدن پیکره‌های سفالین ایزدبانوان که از تل باکون الف در آغاز هزاره چهارم پ.م. یافت شده، خطوط موج مارگونی به رنگ سیاه یا قهوه‌ای دیده می‌شود که می‌تواند نمایانگر امواج آب یا نقش مار برای بیان باروری باشد. بر روی ظرف‌های سفالی نیز مارهای پیچان، بسیار تصویر شده‌اند (تصویر ۲۰).

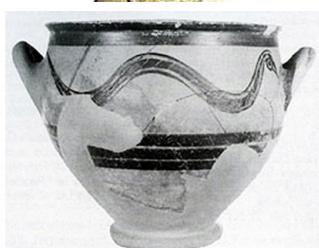
**۲. چمامیش:** در اثر مهری یافت‌شده از هزاره سوم پ.م. در تپه چمامیش، نقش انسان مار به دستی به چشم می‌خورد که بر روی شیری ایستاده است. مارهای پیچان را بر روی آب‌خواری‌های چمامیش، نشان تمدن می‌توان دید. نقش مار بر روی آب‌خواری‌های چمامیش، نشان از همبستگی دیرینه او با خدای بانوان ناظر بر آب‌ها دارد (تصویر ۲۱).

**۳. سیلک:** بر روی بسیاری از سفالینه‌های دوره دوم سیلک، نقش مارهایی دیده می‌شود که روی نوک دم ایستاده‌اند (گیرشمن، ۱۳۷۹، ۵۶). نقش مار در دوره سوم به دو شیوه نمایش داده می‌شود: یا فقط به شکل خزنده طولی که تمام طول دهانه ظرف را تزیین کرده است و سر و دم آن به هم رسیده‌اند، یا این که به صورت مجموعه‌ای از مارهای چنبه‌زده

با مارهایی در دست تصویر شده (تصویر ۱۷) و بعدها مارها، ایزدانی را که جانشین او شدند همراهی می‌کردند (کوپر، ۱۳۷۹، ۳۳۵). پیکره‌های کوچک ایزدبانوی ماری مانند پیکره به دست آمده از کنوسوس، گاه به قدری کوچکند که فقط به عنوان طلس و بت می‌توانسته‌اند به کار آیند (گاردنر، ۱۳۷۴، ۱۰۷).

در کرت، مار به ندرت یافته می‌شود و آیین پرستش مار باید از سرزمینی دیگر بدانجا راه یافته باشد. شکل مخروطی هیکل خدای بانو و ابروان کمانیش، یادآور خویشاوندی این پیکره‌ها با هنر میان‌رودان است (جنسن، ۱۳۶۸، ۷۰).

در هنر میسنه نیز مار نقش بر جسته‌ای دارد. بر روی جواهری از ۱۵۰۰ پ.م. ایزدبانویی باسینه بر هنره دو مار اچون تاجی بر بالای سر نگاه داشته است. نقش کردن مار پیچان بر روی سفال و ساخت ظروفی به شکل مار چنبه‌زده نیز در هنر میسنه رایج است (تصویر ۱۷). آسکلپیوس در اساطیر یونان خدای پزشکی و درمان است که دور چوب‌دستی او ماری پیچیده (Grimal, 1996, 62). این مار پیچان به دور عصا، امروز به نمادی برای داروخانه‌ها بدل شده. در داستان‌های بعدی، آسکلپیوس به دست زئوس کشته می‌شود، زیرا



تصویر ۱۷- بالا: کرت، پایین: میسنه.  
ماخذ: (موزه آتن و موزه هرکلیون)



تصویر ۱۹- مدوسا.

ماخذ: (موزه باستان‌شناسی استانبول)



تصویر ۲۰- آسکلپیوس و هوگیایا.

ماخذ: (موزه باستان‌شناسی استانبول)

گیسوان بلند از هزاره پنجم پ.م است که دو مار بزرگ را در دست دارد. حضور مار بر روی آب‌خواری‌های هزاره چهارم پ.م. شوش، یادآور نقش او در نگهبانی از آب‌هاست. در این دوران، نقش مار بر روی نخستین مهرهای این منطقه نیز دیده می‌شود. بر سفالینه‌ای از ۳۳۰۰ پ.م. از شوش در دو سوی درختی، یک ایزدبانو و یک مار ایستاده‌اند.

مار بر روی دسته تنگ‌های آب‌خواری شوش || ۳۰۰۰ پ.م) نیز حضور دارد. بر روی سنگ‌نگاره‌ای از پایان هزاره چهارم پ.م، دو نیایشگر بر هنره دیده می‌شوند. در میان آنها و بر فراز دستانشان، ماری با دو سر در خود پیچیده است.

نمونه دیگری از ارتباط مار با ایزدبانوان، تندیسی سفالین از پایان هزاره سوم پ.م از شوش است. بانویی که ماری پیچیده بر

گرد بدن خود دارد و سر مار بر سینه او قرار گرفته است.

خدایان مارتمن که نیمه‌مار نیمه‌انسان نمایانده می‌شوند، از نقش‌مایه‌های کهن تمدن عیلام که همزمان در میان رودان نیز دیده می‌شوند. بر یک نقش مهر از عیلام قدیم، مار خدایی در برابر آتشدانی با آتش زبانه‌کشیده ایستاده. او به نشانه نیروی ایزدی کلاهی شاخدار بر سر دارد و شاخه گیاهی را بر بالای آتش مقدس نگه داشته است. در بالای آتشدان، هلال ماه به چشم می‌خورد. مهر دیگری از این دوران، نشانگر پرستش گری است

که برابر در نیایشگاه روپروری مار خدا ایستاده است (تصویر ۲۳).

در نقش برجسته کورانگون از ۲۱۵۰ پ.م نیز دو شخصیت اصلی تصویر، یک خدایی نشسته بر سریر مار و دیگری خدای بانویی مار به دست اند. هر دو آنها تاج شاخدار بر سر دارند. همین خدای نشسته بر سریر مار بر روی نقشی از دوره سوکالماخ (۱۹۰۰ - ۱۶۰۰ پ.م) هم تصویر شده است.

شخصی که در سنگ‌نگاره‌ای از شوش ۱۷۰۰ پ.م بر تخت مار نشسته، باید ایزدبانو باشد. او بر دستان نیایشگری که پیش رویش ایستاده آب می‌افشاند (تصویر ۲۴). گرد سر تندیس خدایی از پایان دوره سوکالماخ در شوش که بر اربه نشسته، ماری چنبره زده است.



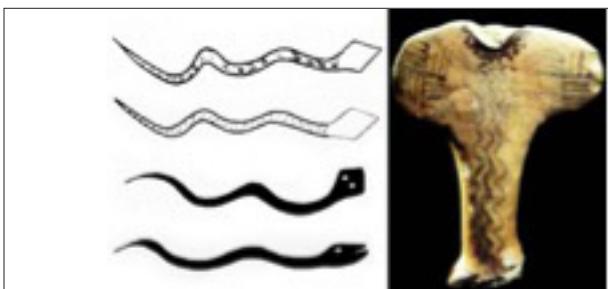
تصویر ۲۳- عیلام کهن.  
ماخذ: (موزه لوور)



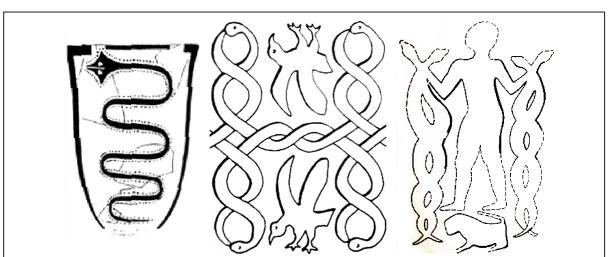
تصویر ۲۴- عیلام کهن.  
ماخذ: (موزه لوور)

(گیرشمن، ۱۳۷۹، ۵۷). تکرار انگاره مار بر روی ظرف‌هایی که برای نوشیدن به کار می‌روند، اشاره‌ای دیگر به نقش احتمالی مار در قالب نگهبان آب است (تصویر ۲۲).

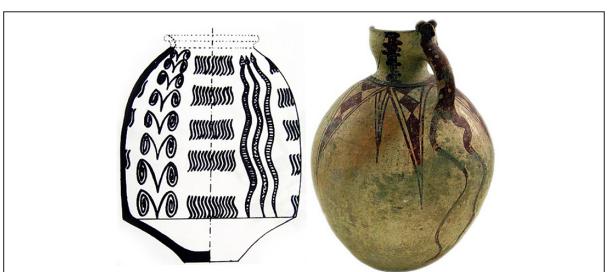
نقش مار بر کوزه‌های آب، نشانگر همبستگی اش با برکت و بارندگی و پاییدن آب است. ما هنوز مار را نگاهبان گنج‌ها می‌دانیم، در ایران کهن نیز مار را حافظ زندگی و آب‌ها می‌دانسته‌اند (بهار، ۱۳۷۷، ۴۶). ۴.۵. عیلام: همبستگی پرستش خدای بانوان و تقدس مارها، با بررسی آثار بازمانده از تمدن عیلام استحکام بیشتری می‌یابد. بر سفالینه‌های هزاره سوم و چهارم پ.م. شوش، نقش‌های پیچیده مار بسیار دیده می‌شود. نقش مار روی در کوزه‌ها و سرپوش ظرف‌ها، به نشانه نگهبان پدیدار می‌شود. مار، گرد ظرف‌های آبینی می‌پیچد، دسته ابزارهایی چون تیر، عصا و چوگان شاهی را می‌سازد و به صورت مار پیچی ایستاده سریر شاهان و خدایان را تشکیل می‌دهد. از دیگر نقش‌های کهن عیلامی، ماری است که به دور درخت زندگی پیچیده. نماد باروری عیلامی که دو مار در حال جفت‌گیری است، به مصر نیز راه می‌یابد. تصویر مار با سر انسان، نشان‌دهنده جنبه خدایی اوست (هینتز، ۱۳۷۱، ۴۷). از کهن‌ترین نمونه‌های بازنمایی مار در شوش، نقش ایزدبانویی با



تصویر ۲۰- تل باکون.  
ماخذ: (موزه ملی ایران)



تصویر ۲۱- چغامیش.  
ماخذ: (موزه ملی ایران)



تصویر ۲۲- سیلک.  
ماخذ: (موزه ملی ایران)

در این یادمان از ۱۳۰۰ پ.م دو مار دیگر هم به چشم می‌خورد، یکی از آنها به صورت چنبره‌زده، تخت خدا را شکل می‌دهد و دیگری در دستان خدا جای دارد.

**۵.۵. جیرفت:** مار در هنر جیرفت به شمار بسیار و شکل‌های گوناگون دیده می‌شود. با بررسی ظرف‌های سنگ صابونی جیرفت می‌توان مار را مهم‌ترین الگوی هنری این تمدن برشمرد. در اینجا نیز خدای مارتان به بیان ویژه‌های مردم‌دان جیرفتی نقش گردیده (تصویر ۲۵). نقشی که بر روی این آثار بسیار اهمیت دارد، نقش «پهلوان ایرانی» است که دو جانور را در دست دارد. پیش از یافته شدن تمدن هلیل رود، باستان‌شناسان همواره این نقش را گیلگمش می‌خوانندند. از آنجایی که گیلگمش تاریخی، پادشاه اوروک در حدود ۲۴۰۰ پ.م بوده است (دست کم ۳۰۰ سال پس از تمدن جیرفت)، می‌توان با اطمینان این نقش را پهلوان ایرانی خواند و از انگاره‌هایی دانست که از جیرفت به میان رودان برد شده است. در این میان بر روی بسیاری از ظروف، پهلوان، مارهایی بزرگ را در دست دارد. نباید از یاد برد جانورانی که در نمونه‌های پر شمار این بن‌مایه در سراسر تاریخ آسیا باختیری دیده می‌شوند (چون گاو، شیر، بز کوهی و مار)، از ستوده‌ترین کهن‌الگوها در اندیشه باستانی مردمان این سرزمین‌اند. به نظر می‌رسد پهلوان از این جانوران سپنته، نیرو یا توانایی می‌گیرد.

دیگر نقش ترکیبی و چرخشی را، مار و شاهین شکل می‌دهند. با توجه به ارتباط آشکار نقوش و بن‌مایه‌های تمدن هلیل رود با هنر سومری و باور بسیاری از باستان‌شناسان به این که جیرفت و پهنه تمدنیش می‌توانند همان ارث و مَرْهَشی مورد اشاره در نوشتارهای سومری باشند، خوانش متن اسطوره میان‌رودانی اثانا که به زبان بابلی و عیلامی در دست است، می‌تواند کلیدی برای فهم این انگاره باشد. در این داستان به دشمنی میان عقاب و مار اشاره شده. عقاب برخلاف سوگندی که نزد شمش خدای خورشید یاد کرده، بچه مار را می‌بلعد. مار با راهنمایی شمش در لاشه یک گاو نر پنهان می‌شود. هنگامی که عقاب برای خوردن از لاشه به درون آن می‌رود، مار از او انتقام می‌گیرد (Dalley, 2000, 189).

بر روی ظرف‌های جیرفت، نقش دیگری نیاز جدال مار با پلنگ به چشم می‌خورد که نگارنده هنوز سندی برای تفسیر آن به دست نیاورده است. تصاویر دو مار پیچیده در هم را نیز می‌توان نمادی برای باوری دانست. مار در جیرفت نیز به سبب نقش کهن‌ش برای نگهبانی از آب، دور آب‌خواری‌ها و تنگ‌ها حلقه زده است.

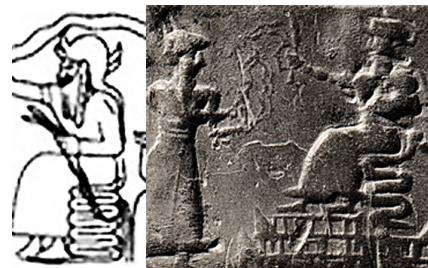
دیگر نشانه همبستگی مار با آب‌ها در اندیشه مردمان جیرفت، نقش خیال‌بافانه و دل‌انگیزی است از ابرهای آبستن بارانی که به‌هنگام بارش به سان مارهایی پیچان بر زمین و بر دوش گاو (مظہر و نماینده زمین) می‌ریزند. این نقش را می‌توان سند محکمی برای فهم معنای نمادین مار دانست.

یک نمونه بی‌همتای دیگر، کوزه‌ای است که ایزدبانوی سر از آن بیرون آورده و مار در دوسوی آن به نگهبانی ایستاده. نقش موج‌های آب بر روی کوزه معنای کهن‌الگویی این ترکیب رانیرویی افزون می‌بخشد. آثار ارزشمند دیگری که از تمدن هلیل رود به‌جا مانده، تخته‌های

اثر مهری از عیلام میانه، ایزدانی را تصویر می‌کند که مار در دست دارند یا دستانشان به شکلی مارگون کشیده شده است. یکی از آنان مار (یا دستان مارگونه‌اش) را بر فراز نیایشگاهی (شاید برای پاسداری آن از نیروهای اهربیمی) گسترشده است.

از دوره اونتاش گال (۱۲۵۰ پ.م)، تندیس خدایی به دست آمده که دو مار در دست دارد و ماری نیز به گرد سررش حلقه زده است. نقش بر جسته دیگری انسانی را نشان می‌دهد که سه مار بر بالای سررش به نگهبانی ایستاده‌اند. مار را به سان دسته عصا یا شمشیر نیز در عیلام می‌توان دید.

بر روی مهرهای عیلام میانه هم مار بسیار دیده می‌شود. گاه به‌سان ایزدی که مارها از شانه‌اش سر زده‌اند، گاه چون ایزدی سوار بر پشت مار و گاه به همان شکل رایج ایزد مارتان. نقش اصلی سنگ یادمان اونتاش ناپیریشا نیز مار است. دور ادور نقش بر جسته را دو مار بزرگ پوشانده‌اند (Miroshchedji, 1981, 8).



تصویر ۲۴. عیلام کهن.  
ماخذ: (راست: موزه لوور، چپ: طراحی از کتیبه کورانگون)



تصویر ۲۵. جیرفت.  
ماخذ: (موزه ملی ایران)

را می‌توان در کف ظرف‌های مفرغین این تپه دید. از باورهای کهن درباره مار، نگهبانیش از گنج هاست. نقش ماری چنبره‌زده بر روی یک گوهردان شهاد شاید با همین اندیشه تراشیده شده باشد.

**۷.۵. لرستان:** در میان آثاری که از لرستان هزاره دوم و اول پ.م. یافت گردیده، سنجاق سرهايی با نقش رام‌کننده یا پهلوان به چشم می‌خورد که به هر دست ماری را نگه داشته است. این انسان یا ایزد با تاج شاخدار را بر نقش مهرهای این منطقه نیز می‌توان بازیافت. مار بر روی تبرهای مفرغی لرستان و در دست ایزدبانویی بر سنجاقی از ۱۲۰۰ پ.م. هم دیده می‌شود (تصویر ۲۸).

## ۶. مار در ادیان تاریخی آریاییان و سامیان

در اندیشه و اساطیر دینی سامیان، مار جانوری نکوهیده است که به یاری شیطان بر می‌خیزد تا آدم و حوارا در بهشت به سرپیچ از فرمان خداوند اغوا نماید و خدا بدین گناه او را نفرین می‌کند: «پس خداوند خدا به مار گفت: چون که این کار کردی، از جمیع بھایم و از همه حیوانات صحراء ملعون تر هستی. بر شکمت راه خواهی رفت و تمام ایام عمرت خاک خواهی خورد، و عداوت در میان تو و زن و در میان ذرت تو و ذرت وی می‌گذارم. او سر تو را خواهد کوبید و تو پاشنه وی را خواهی کوبید» (پیدایش، باب سوم، ۱۴ و ۱۵).

ادیان آریایی نیز مار را اهریمنی می‌خوانند. در یشت‌ها اژی (مار) چینی توصیف می‌شود: «آن دیو بسیار زورمند دروغ، آن دروند آسیب‌رسان جهان، آن زورمندترین دروجی که اهریمن برای تباہ کردن جهان اشے به پتیارگی در جهان استومند بیافرید» (یسنا، هات، ۹، بند ۸).

ازی دهاکه (ضحاک) در شاهنامه نیز برگرفته از همین موجود پلید است و مار بر شانه دارد.

برپایه متون مقدس زرتشتی از جمله شرطهای پذیرش توبه و طلب آمرزش برای گناهان بزرگ، کشتن مار است. این جاندار اهریمنی در ریگ‌ودا، اهی نامیده شده که در کوه مسکن دارد و دیوان یاریش می‌کنند. او با هزاران پیچ و تاب بر فراز کوه راه ابرهای باران‌زا را می‌بندد و عامل خشکسالی است. ایندره نیرومند با این مار نبرد کرده او را می‌کشد.



تصویر ۲۸ - لرستان.  
ماخذ: (موزه ملی ایران)

بازی ظرفی است که خانه‌هایشان با چرخش مارهایی که دم خود را به دهان گرفته‌اند شکل می‌گیرد. با توجه به ارتباط مار با جاودانگی در اندیشه مردمان خاور باستان، انگاره ماری که دم خود را به دهان گرفته، غالباً اشاره‌ای است به زمان بی‌کرانه و ذات چرخشی و دورهای زندگی، از این رو نقش آن بر روی یک بازی وابسته به بخت و احتمال می‌تواند نمادی باشد از بی‌پایانی چرخه زندگی و بازی زمانه.

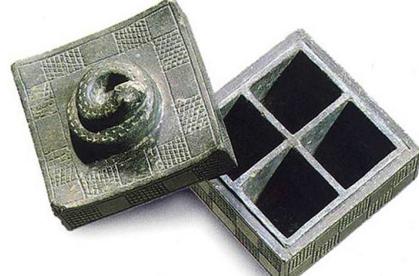
یک تخته بازی همسان از همین دوره در شهرساخته یافت شده که با چوب آبنوس ساخته شده است (تصویر ۲۶). این آثار که حدود دو سده پیش از تخته بازی اور III و سه سده پیش از تخته بازی مصری یافته شده، از گور آمنه‌توپ سوم ساخته شده‌اند را می‌توان کهن‌ترین نمونه‌های تخته بازی در جهان دانست.

**۶. شهداد:** مهم‌ترین اثر یافته‌شده در شهداد از نیمه هزاره سوم پ.م. را می‌توان پرچمی مفرغین دانست که کهن‌ترین پرچم جهان نامیده شده است. نقش اصلی آن، ایزدبانویی نشسته بر سریر است که چهار نیایشگر گردش حلقه زده‌اند. چهار زوج از مارهای درهم تنیده در بالا و پایین این تصویر دیده می‌شوند که دیگر بار به وابستگی مارها و ایزدبانوان در اندیشه مردمان کهن این سرزمین اشاره دارد (تصویر ۲۷).

روی سفالینه‌های بزرگ شهداد که برای نگهداری آب یا غلات به کار می‌رفته‌اند نیز مار حضور دارد. همچنین مارهای حلقه‌زده



تصویر ۲۶ - بالا: جیرفت، پایین: شهرساخته.  
ماخذ: (موزه ملی ایران)



تصویر ۲۷ - شهداد.  
ماخذ: (موزه ملی ایران)

## نتیجه

در دستان خود نگه داشته. برای اثبات این اندیشه، نقش انسان ماربهدست در میان آثار دیگر تمدن‌های باستانی نظری میان‌رودان، مصر، هند و یونان با پذیرش تاثیرات بین‌تمدنی در آن دوران مورد بررسی قرار گرفت. وجود بن‌مایه‌های همسان و بررسی باورهای رایج در این تمدن‌های باستانی ما را به سوی این دیدگاه رهنمون ساخت که مارها در هنگامه پرستش خدای بانوان باروری و پیش از رواج ادیان مردمکر آریایی و سامی، از تقدس فراوانی برخوردار بوده‌اند، اما این احترام و تقdis با تنزل مقام ایزدبانوان و رواج پرستش خدای نرینه، به جایگاهی شیطانی و همبسته با نیروهای پلید اهریمنی بدلت می‌شود.

مار در اندیشه و ادیان مردمان خاور باستان، بارها چهره‌ای مقدس می‌یابد یا در کنار ایزدان و ایزدانوان قرار می‌گیرد از جمله در میان‌رودان با نام: تیامت، لخمو و لخامو، نین‌گیش‌زیدا، مامی و استارته؛ در مصر با نام آتون، اوزیریس، کادش، رنه نوتت، حاجت، نهبت کا و مرت سه‌گر؛ و در هند با نام ناگا، ماناسا، واسوکی و سشا. بیشتر فرهنگ‌های باستانی مار را جاوید یا درمان گر می‌دانند.

پژوهش بر روی آثار یافتشده از تپه‌های باستانی ایران که نقش انسان مار به‌دست دارند، این فرض را مطرح می‌کند که شاید او خدا یا خدای باتوبی است که مارهایی را به نشانه جاودانگی یا باروری

## فهرست منابع

- Press, New York.
- Dowson, John (2003), *Classical Dictionary of Hindu Mythology and Religion, Geography, History*, Kessinger Publishing, Montana.
- Elgood, Heather (2000), *Hinduism and the Religious Arts*, Cassell, London.
- Erman, Adolf, Hermann Grapow (1963), *Wörterbuch der ägyptischen Sprache*, Akademie-Verlag, Berlin.
- Frankfort, Henri (1955), *Stratified Cylinder Seals from the Diyala Region*, Oriental Institute Publications 72, University of Chicago Press, Chicago.
- Graves, Robert (1955), *The Greek Myths*, Penguin Books, London.
- Grimal, Pierre (1996), *The Dictionary of Classical Mythology*, Wiley-Blackwell, New Jersey.
- Hart, George (2005), *Dictionary of Egyptian gods and goddesses*, Routledge, London.
- Jones, Constance (2007), *Encyclopedia of Hinduism*, Infobase Publishing, New York.
- Jordan, Michael (2002), *Encyclopedia of Gods*, Kyle Cathie Limited, London.
- Kerenyi, Karl (1959), *The Heroes of the Greeks*, Thames & Hudson, London.
- Miroschedji, P (1981), Le dieu élamite au serpent et aux eaux jaillissantes, *Iranica Antiqua*, No 16, pp. 2-28.
- Pinch, Geraldine (2003), *Egyptian mythology, a guide to the gods, goddesses, and traditions of ancient Egypt*, Oxford University Press, New York.
- Potts D. T (1999), *The Archaeology of Elam, Formation and Transformation of an Ancient Iranian State*, Cambridge World Archaeology, Cambridge University Press.
- Price, Ira Maurice (1900), Notes on the Pantheon of the Gudean Cylinders, *The American Journal of Semitic Languages and Literatures*, Vol. 17, No. 1, pp. 47-53.
- Thorkild Jacobsen (1968), The Battle between Marduk and Tiamat, *Journal of the American Oriental Society*, No 88, pp. 104-108.
- Wilkes, J.J (1992), *The Illyrians*, Blackwell Publishing, New Jersey.
- ایونس، ورونیکا (۱۳۷۳)، *اساطیر هند، مترجم بالاجلان فرخی*، نشر گلشن، تهران.
- بهار، مهرداد (۱۳۷۷)، از اسطوره تاریخ، چشمۀ، تهران.
- بیانی، م (۱۳۷۵)، *تاریخ مهر در ایران*، بزدان، تهران.
- پورآزاد، ابراهیم (۱۳۵۶)، *بیشتر، ج ۱ و ۲*، دانشگاه تهران، تهران.
- جنسن، م. و. (۱۳۶۸)، *تاریخ هنر، ترجمه پرویز مرزبان، انتشارات کتبیه، تهران*.
- هال، جیمز (۱۳۸۰)، *فرهنگ نگاره‌ای نمادها، مترجم رقیه بهزادی، انتشارات فرهنگ معاصر، تهران*.
- دورانت، ویل (۱۳۶۵)، *تاریخ تمدن، مترجم احمد آرام و دیگران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، تهران*.
- ظاهری، صدرالدین (۱۳۹۱)، *کهن‌الگوی شیر در ایران، میان‌رودان و مصر باستان، نشریه هنرهای زیبا-هنرهای تجسمی*، شماره ۴۹، صص ۸۳ - ۹۳.
- ظاهری، صدرالدین (۱۳۹۳)، *ایزدانوان در فرهنگ و اساطیر ایران و جهان، روشنگران و مطالعات زنان، تهران*.
- کتاب مقدس (۲۰۰۲)، *انتشارات ایلام، چاپ سوم*.
- کوپر، جی. سی. (۱۳۷۹)، *فرهنگ مصور نمادهای سنتی، مترجم مليحه کرباسیان، نشر فرشاد، تهران*.
- گاردنر، هلن (۱۳۷۴)، *هنر در گذر زمان، ترجمه محمد تقی فرامرزی، انتشارات نگاه، تهران*.
- گدار، آندره (۱۳۷۷)، *هنر ایران، مترجم بهروز حبیبی، انتشارات شهید بهشتی، تهران*.
- گیرشمن، رومن (۱۳۷۹)، *سیلک کاشان، ترجمه اصغر کریمی، سازمان گیرشمنگی کشور، جلد اول، تهران*.
- میراث فرهنگی کشور، *سیلک کاشان، ترجمه اصغر کریمی، سازمان گیرشمن، رومن (۱۳۷۹)*، سیلک کاشان، ترجمه اصغر کریمی، سازمان گیرشمنگی کشور، جلد اول، تهران.
- ویو، ر. (۱۳۸۱)، *اساطیر مصر، مترجم ابوالقاسم اسماعیل پور، انتشارات کاروان، تهران*.
- هینتر، والتر (۱۳۷۱)، *دیای گمشده عیلام، مترجم فیروز فیروزی، نشر علمی و فرهنگی، تهران*.
- Assmann, J (1995), *Egyptian Solar Religion in the New Kingdom*, Routledge, London.
- Collon, Dominique (1995), *Ancient Near Eastern Art*, University of California Press, California.
- Coomaraswamy, Ananda K (2001), *Myths and Legends of the Hindus and Buddhists*, Advaita Ashrama, Kolkata.
- Dalley, Stephanie, ed (2000), *Myths from Mesopotamia. Creation, The Flood, Gilgamesh, and Others*, Oxford University